

شعارهای عاشورایی از منظر دانش‌های حدیثی؛ گونه‌ها و خاستگاه‌ها

محمد رضا شاهرودی^۱، محمد فراهانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۳۰)

چکیده

به پیام‌های نمادین و برگرفته از بیانات امام حسین (ع) یا فرهنگ غنی مستفاد از قیام حسینی، «شعارهای عاشورایی» اطلاق می‌شود. این شعارها در آثار تاریخی، مقاتل و سیره امامان (ع) ملاحظه می‌شود؛ اما تاکنون خاستگاه‌ها و گونه‌های آن با ابزار علمی مورد مذاکره قرار نگرفته است. به جهت درهم آمیختگی شعارهای مستند و غیرقابل استناد در نقل‌های مربوط به واقعه عاشورا، شناخت گونه‌های این شعارها و سنجش آن‌ها به منظور بهره‌وری بیشتر فردی و اجتماعی، ضروری است؛ چه، با مطالعه در زمینه پیدایش و تطور شعارهای عاشورایی درمی‌یابیم که پاره‌ای از این شعارها دارای منشأ سیاسی، عرفانی یا اخلاقی است. «شعارهای عاشورایی» در میان منابع دینی، بیشترین تقارب را با حدیث و بیشترین قابلیت سنجش را با معیارهای ثابت شده در علوم حدیث دارا هستند؛ لذا با کاربست اصول این علوم، می‌توان به صحت و میزان اصالت آن‌ها دست یافت. این شعارها با اعمال آموزه‌های دانش‌های حدیثی بدین گونه قابل طبقه‌بندی‌اند: ۱. شعارهایی که در آن، نقل، صحیحاً به لفظ و معنا صورت گرفته و انتساب آن‌ها به امام حسین (ع) به مثابه خبر صحیح است؛ ۲. شعارهایی که در آن، به دلیل وجود متابعات و شواهد، نقل به معنا رخ داده است، ولی ماهیت روایی دارد؛ ۳. شعارهایی که نقل به معنا نشده است، ولی مضمون آن‌ها با روایات صحیح الصدور تأیید می‌شود؛ ۴. شعارهایی که ساختگی است و به واسطه اطلاق یا عمومیت الفاظ و برخی برداشت‌های غلط از آن نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه معصوم (ع) صادر شده باشد.

کلید واژه‌ها: امام حسین (ع)، شعار، عاشورا، فقه الحدیث، کربلا، نقد الحدیث.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: mhshahroodi@ut.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب؛

Email: Yasekabood.org@gmail.com.

۱. پیشینه تحقیق

در مورد گونه‌شناسی شعرهای عاشورایی بر پایه علوم حدیث، پژوهشی مشاهده نگردید، اما درباره نقد و فهم مقاتل، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به معرفی آن‌ها می‌پردازیم: محسن رفعت، نویسنده مقاله «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد» در بررسی *امالی* شیخ صدوق می‌گوید: برخی روایات این کتاب، در کتب قرن دهم به بعد رایج شد و بر افکار شیعه تأثیر بسیاری گذاشت. به نظر وی علی‌رغم اینکه گزارش شیخ صدوق براساس روایات، سامان‌یافته، اما لحن وی مانند لحن ابن‌اعثم کوفی در «زبان حال» کاربرد دارد. همچنین روایت شیخ صدوق به روایات ابن‌اعثم شباهت بسیاری دارد، به‌صورتی که گویا هر دو برخاسته از حکایات قصه‌خوانانی است که در عراق بوده‌اند و بعدها به‌شکل روایت درآمدند. روایات او درباره وقایع عاشورا ضمن آشفتگی در متن، با وقایع مسلم تاریخی در تضاد است و به شأن امام خدشه می‌زند. مقاله مذکور مصداقاً به شعرهای عاشورا نمی‌پردازد [نک: ۵۵].

محقق مذکور در پایان‌نامه «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین (ع) از آغاز تا قرن چهاردهم» در نقل روایات مربوط به عاشورا به این نتیجه رسیده است که مورخان و محدثان شیعی و سنی، تأثیر بسیاری در تبیین وقایع عاشورا داشته‌اند؛ از این رو می‌توان با بازشناسی موضوع روایات، میزان راه‌یابی نظرات آن‌ها را در منابع عاشورایی دانست. اهمیت پژوهش مذکور در شناخت کتب مقتل و روایاتی است که در پرتو واقعه عاشورا تا قرن چهاردهم هجری شکل گرفته‌اند. در پژوهش فوق، برخی شعرهای عاشورایی ذکر گردیده است [نک: ۶۱].

ملاکاطمی، نویسنده رساله «بررسی آسیب‌شناسی اخبار و روایات عاشورا (تا پایان قرن هفتم هجری)» بر این باور است که به‌علت آمیخته‌شدن اخبار سره و ناسره در بیان واقعه عاشورا، اظهارنظر در این باره سخت است. او با مطالعه روایات حادثه عاشورا، ضمن بررسی منابع اصلی آن‌ها، آسیب‌هایی که تاکنون اخبار عاشورا را در میان آن منابع فراگرفته، شناسایی و به بررسی آن‌ها برای ارائه تاریخ درست از حادثه عاشورا می‌پردازد. پژوهش فوق به شعرهای عاشورا نپرداخته است [نک: ۶۲].

صحتی سردرودی، مؤلف مقاله «سهم شیخ عباس قمی در شناسایی تحریفات عاشورا»، معتقد است محدث قمی، به پیروی از استادش محدث نوری، در تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین (ع) راه درازی را - از نفس‌المهموم تا منتهی‌الآمال - پیموده است. او

در این مسیر به حقایق رسیده است که می‌تواند، گره‌های بسیاری را در تحریف‌شناسی عاشورا بگشاید. در پژوهش مذکور، صرفاً نظرات شیخ عباس قمی پیرامون شعارهای عاشورا ذکر گردیده است [نک: ۵۷].

محسن رنجبر، در مقاله «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر»، به معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر و شناسایی مهمترین آثار قرون اخیر که در تحریف عاشورا نقش دارند، می‌پردازد. مقاله مذکور به تحلیل انتقادی شعارهای عاشورا پرداخته‌است [نک: ۵۶].

ضیایی، نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا»، معتقد است درباره واقعه عاشورا تاکنون پژوهشی فرا ایدئولوژیک در باب جنبش کوفه انجام نشده‌است. او ضمن بررسی مقاتل مهم عاشورایی می‌گوید: از عوامل مهمی که باعث تحریف در واقعه عاشورا شده، تلاش روضه‌خوانان برای ایجاد رقت قلب بوده‌است. این کتاب با نقدی تند، تحریفات عاشورا را مورد بحث قرار داده، اما به شعارهای عاشورا پرداخته‌است [نک: ۳۱].

جعفریان، مؤلف اثر «تأملی در نهضت عاشورا»، منابع تاریخی مربوط به قیام عاشورا را معرفی و با نگاهی تاریخی، زمینه‌های قیام و گزارش آن تا شهادت امام (ع) و پیامدهای اجتماعی سیاسی آن را بازگو نموده‌است. وی ضمن پرداختن به موضوع اربعین به تحلیل اهداف قیام پرداخته و علاوه بر رویکرد توصیفی نسبت به قیام امام (ع)، رویکرد تحلیلی نیز دارد و در بحث تحریفات عاشورا و علل آن، «روضه‌الشهداء»، اثر ملاحسین کاشفی را بررسی کرده است. در این کتاب نیز غالباً مصداق شعارهای عاشورایی دیده نمی‌شود [نک: ۱۲].

شهیدمطهری نیز در «حماسه حسینی»، به تحلیل تاریخ عاشورا می‌پردازد و در آن به جنبه الگوگیری از قیام امام (ع) و لزوم پیراستن آن از تحریفات تأکید کرده‌است. این کتاب نسبت به معرفی و اهمیت شعارهای عاشورایی تأکید دارد، اما نگاه نویسنده غالباً جنبه ایجابی نسبت به شعارها است [نک: ۴۶].

نوری، مؤلف کتاب «لؤلؤ و مرجان»، نیز اخلاص و صداقت را در روضه‌خوان‌ها شرط دانسته و به نقل‌های تاریخی تحریف‌شده در واقعه عاشورا می‌پردازد. این کتاب، نقطه عطف تحلیل انتقادی روایات عاشورایی است و مابقی آثار در این زمینه از این اثر الهام گرفته‌اند [نک: ۵۱].

۲. طرح مسئله

در مطالعه بر روی موضوع عاشورا به گزاره‌هایی منتسب به امام حسین (ع) برمی‌خوریم که

حاوی پیام‌هایی حماسی در ارتباط با چیستی قیام حضرت و اهداف ایشان است. در ادبیات معاصر حوزه امامت، به چنین عباراتی، شعارهای عاشورایی^۱ اطلاق می‌شود که از مهمترین منابع شناخت قیام سیدالشهداء (ع) محسوب می‌شود و از جمله ابزارهایی است که مصلحان اجتماعی در حرکات اصلاح‌طلبانه خود، فراوان از آن بهره برده‌اند.^۲ به بیان دیگر از میان سخنان آن حضرت، پربسامد بودن برخی از آن‌ها در نقل از امام (ع) در منابع مرتبط، همچنین اشتغال بر پیام‌های شاخص و الهام‌بخش، نیز حاوی هویت و روح مکتب حسینی بودن، موجب شده که این سخنان به شعارهای عاشورایی مشهور گردند.

پژوهشگران دینی بر این باورند که معتبرترین منبع شناخت فرهنگ عاشورا، خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان شخصیت‌های شکل‌دهنده این حماسه است که شعارهای عاشورایی یکی از طرق رسیدن آن‌ها به دست ما است.

در نگاه بدوی می‌توان شعارهای عاشورایی را به چهار دسته تقسیم نمود، شعارهایی که: ۱. انتساب آن‌ها به امام حسین (ع) قطعی است؛ ۲. نقل به معنا شده است و محتوای آن ماهیت روایی دارد؛ ۳. نقل به معنا نشده است، ولی مضمون آن‌ها با روایات صحیح الصدور موافقت دارد؛ ۴. ساختگی است و به واسطه دلایلی نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه امام صادر شده باشد. تقسیم مذکور، ریشه در استقراء این شعارها و مطابقت آن با متون مشابه در مصادر حدیثی - تاریخی دارد؛ چه اینکه وقتی این شعارها را با آن منقولات

۱. «شعارهای عاشورایی» ترکیبی وصفی از «شعارها» و «عاشورایی»، و کلمه اخیر، اسم نسبت به عاشورا است. عاشورا که به «روز دهم محرم» اطلاق می‌شود، برگرفته از کلمه «عشر» به مفهوم «ده» است که طبق گزارش برخی از محققان تنها بر روز دهم محرم الحرام اطلاق می‌شود، آنگونه که تاسوعا صرفاً به روز نهم این ماه گفته می‌شود. [۲، ۳، ۴۰۰] شعار، واژه‌ای اصالتاً تازی است و در آن زبان در معانی علامتی به کار رفته است که در جنگ یا غیر آن استفاده می‌شود [۳، ۴، ۴۰۹] یا سخنی که در جنگ، خطاب به مردان جنگ گفته می‌شود تا یکدیگر را بشناسند [۳۶، ۱، ۲۵۰].

۲. به تعبیر منطقی رابطه شعارهای عاشورایی با سخنان امام حسین (ع)، عموم خصوص مطلق است، چه اینکه سخنان حضرت بیش از این مواردی است که شعارگونه گشته و ظهور و بروز و درخشندگی ویژه یافته است. آثاری چون: موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، تدوین گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع)؛ موسوعه الامام الحسین (ع) فی الکتاب و السنه و التاریخ، تألیف محمد محمد ری شهری، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، اثر محمد دشتی و مسند الامام الشهید ابی عبدالله الحسین بن علی (ع)، از عزیزالله عطاردی؛ صرفاً حاوی سخنان به جای مانده از امام (ع) است و همان‌طور که گذشت، جنبه شعار یافتن با روح حماسه در جوامع اسلامی، به ویژه شیعی، در سده اخیر، برای برخی از این سخنان انسان‌ساز پیدا شده است.

مقایسه می‌کنیم و نسبت لفظی و معنایی آن‌ها را با مورد مشابه خود در روایات موجود در منابع اصیل می‌سنجیم و احیاناً هیچ مورد مشابهی در منابع معتبر برای آن نمی‌یابیم و حتی آن شعار را واجد تأیید دلیل عقل ملاحظه نمی‌کنیم، درمی‌یابیم که این شعارها از اقسام چهارگانه مذکور، خارج نیست. البته تقسیم ثنایی عقلی نیز به‌گونه‌ای مؤید انقسام شعارهای عاشورایی در اقسام فوق است؛ توضیح اینکه شعارهای عاشورایی یا در منابع اصیل وجود دارد یا ندارد و در صورت نخست یا نقل به لفظ شده یا نقل به معنا و در صورت دوم ممکن است مضمون شعاری که در منابع وجود ندارد، با دیگر عمومات و اطلاقات ادله شرعی یا عقلی قابل تأیید باشد و یا نباشد، از این تقسیم ثنایی به وضوح اقسام چهارگانه فوق استخراج می‌شود.

در این نوشتار، قصد بر آن است که گونه‌های چهارگانه شعارهای عاشورایی از منظر دانش‌های حدیثی، بررسی شده و انقسام آن در اقسام فوق، اثبات و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها واکاوی گردد؛ اما نظر به اینکه انگیزه پیدایی این شعارها دخالت کامل در شناخت هویت آن‌ها دارد، ابتدا پیرامون انگیزه‌ها و ماهیت شعارهای عاشورایی، سپس گونه‌های آن و نهایتاً با ذکر مصادیق، در مورد صحت آن‌ها به شرح می‌پردازیم.

۳. انگیزه‌های پیدایش شعارهای عاشورا

یکی از بایسته‌های پژوهش، پیرامون شعارهای عاشورا شناخت انگیزه‌های پیدایش آن‌هاست و از آنجایی که این شعارها از لوازم شناخت نهضت حسینی به‌شمار می‌آید، زمینه‌ای برای شناخت بهتر این برهه از تاریخ اسلام و تشیع است. به‌طور کلی انگیزه‌های پیدایش شعارهای عاشورایی در سه قسم، قابل احصاء است: معرفتی، اخلاقی و سیاسی که در ذیل به تبیین این انگیزه‌ها می‌پردازیم.

۳.۱. انگیزه‌های معرفتی

درک عمیق دین به شناخت خداوند متعال بستگی دارد و این شناخت، ریشه دلدادگی به ذات الوهیت محسوب می‌شود که بالاترین مرتبه از مراتب مکاتب و حیانی است. نتیجه این دلدادگی که در بعد معرفتی دین تفسیر می‌شود، در «قرب به حق»، «رضا»، «تسلیم»، «صبر»، «اخلاص» و «یقین»، متجلی می‌گردد. اوج بعد معرفتی دین را در واقعه عاشورا می‌توان دید که در آن حماسه و معرفت با هم تلفیق شده‌اند. معرفت، یکی از عوامل

اصلی پیدایش شعارهای عاشورایی است و برخی آثار؛ همچون: منظومه گنجینه‌الاسرار عمان سامانی و روضه‌الشهداء اثر ملاحسین واعظ کاشفی با این رویکرد به تحریر درآمده‌اند. شعارهای معرفتی عاشورا، مبطل عرفان متصوفانه و معرف سیر و سلوک منطبق با تعالیم انبیاء و اولیای الهی است.

از شعارهایی که درون‌مایه‌ای معرفتی دارد، شعار: «وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأٌ وَ لَا مَأْوَى، لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ»^۱ [۱، ۵، ۳۰-۳۲] است که در آن، مفهوم «قیام‌الله» مستتر و برگرفته از وصیتی است که امام به محمد حنفیه فرمودند. همچنین شعار: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»^۲ [۳۲، ۴، ۳۰۵] که امام (ع) آن را در «ذو حسم»، هنگام مواجهه با سپاه حر بیان فرمودند. شعاری دیگر با انگیزه‌ای معرفتی در مفهوم «بلا و ابتلا»، شعاری است که امام حسین (ع) هنگام ورود به کربلا خطاب به یارانشان می‌فرماید: «النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعِقِّ عَلَيَّ أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مَحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»^۳ [۱۸، ۱، ۲۳۷]. همچنین در شعار: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الصَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ»^۴ [۳۰، ۲۸۹] که امام (ع) در سخت‌ترین لحظات روز عاشورا فرمودند نیز، مفهوم «رضا و تسلیم» در آن دیده می‌شود که از مراتب والای عرفان است.

۲.۳. انگیزه‌های اخلاقی

اخلاق، یکی از سه ضلع مبنایی دین اسلام، در روایات به‌عنوان هدف اصلی بعثت پیامبر(ص) ذکر شده است [۴۰، ۶۷، ۳۷۲]. قول و فعل معصوم (ع) ملاک کسب مدارج اخلاقی است و کربلا جلوه‌گاه مکارم انسانی امام معصوم (ع) به‌شمار می‌آید؛ به‌همین جهت یکی از انگیزه‌های شعارهای عاشورا، انگیزه‌های اخلاقی است. یکی از انگیزه‌های

۱. اگر در دنیا هیچ پناهگاهی هم نداشته‌باشم، هرگز با یزید بیعت نخواهم کرد.

۲. به یقین، من مرگ (در راه حق) را جز سعادت، و زندگی در کنار ستمگران را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.

۳. مردم، بندگان دنیا هستند و دین همانند چیزی است که بر زبانشان باشد، تا آنگاه که زندگی‌شان (به‌وسیله آن) پر رونق است، آن‌را ننگ می‌دارند؛ ولی هنگامی که با مشکلات آزموده شوند، عدد دین‌داران اندک می‌شود.

۷. ای بزرگ‌زادگان! شکیبا باشید. مرگ فقط پلی است که شما را از سختی‌ها و دشواری‌ها به بهشت پهناور و نعمت‌های جاودان می‌رساند!

اخلاقی شعارهای عاشورایی، «جهاد با نفس» است که در شعار: «مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَالْأَخِذُ بِالْقِسْطِ، وَالِدَائِنُ بِالْحَقِّ، وَالْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ»^۱ [۴۷، ۳۸۰-۳۸۱] تبیین می‌شود و امام(ع)، آن را در جواب نامه کوفیان که در بین آن‌ها، نام بعضی بزرگان مشاهده می‌شود، فرمودند.

شعار دیگری که امام(ع) با انگیزه اخلاقی انشاء فرمودند، پس از دریافت نامه جناب مسلم، هنگام خروج از مکه آمده‌است. در این شعار حضرت می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِيرًا عَلَى بَلَاءِهِ وَ يُؤَقِّنَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ»^۲ [۲۵، ۶۱]؛ درون‌مایه این شعار، «صبر و استقامت» است که اوج ماندگاری عاشورا منوط به آن است [۴۰، ۴۵، ۸۹]. همچنین می‌توان به شعار: «هَيَّاهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ...»^۳ [۱۸، ۲، ۶-۸] با مفهوم «آزادگی» اشاره کرد که امام روز عاشورا در خطبه قبل از جنگ، خطاب به لشکر عمرسعد فرمودند.

۳.۳. انگیزه‌های سیاسی

بعد سیاسی اسلام از این جهت حایز اهمیت است که در آن برای آحاد مسلمانان نقشی اساسی مشخص نموده و نسبت به حضور مردم در اموری چون حکومت و نظارت بر عملکرد سردمداران سیاسی تأکید شده‌است. نهضت حسینی نیز به عنوان مَبْقَى اسلام که برای اصلاح امت پیامبر(ص)، رهایی مردم از حکام ظالم و ترسیم چهره امام صالح، انجام گرفته است، از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا یکی از انگیزه‌های پیدایش شعارهای عاشورا، انگیزه سیاسی آن است که به گواهی تاریخ، سرلوحه نهضت‌های ظلم‌ستیز بوده است.

یکی از شعارهای عاشورایی که در پی اصرار «مروان بن حکم» برای بیعت با یزید با انگیزه سیاسی از جانب امام(ص) صادر شد، شعار: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ أَلْسَلَامٌ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ أَلَمَةُ بَرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ

۱. امام و پیشوا تنها کسی است که به کتاب خدا عمل کند و عدل و داد را برپا دارد، دین حق را پذیرفته و خود را وقف راه خدا کند.

۲. ما به رضای خدا رضاییم، بر بلای او صبر می‌کنیم، او نیز پاداش صابران را به ما می‌دهد.

۳. چقدر دور است که ما تن به ذلت دهیم، خداوند و پیامبر او هرگز برای ما ذلت و زبونی نمی‌پسندند و نیاکان پاک‌سرشت و دامن‌های پاکی که ما را پرورانده‌اند و بزرگ‌مردان غیرتمند و انسان‌های باشرف این را از ما نمی‌پذیرند.

أَبِي سُفْيَانَ»^۱ [۲۵، ۹۹] است. این شعار را امام حسین(ع) هنگام دریافت خیر مرگ معاویه فرمودند: «إِنِّي لَا أَبَايَعُ لَهُ أَبَدًا، لِأَنَّ الْأَمْرَ إِنَّمَا كَانَ لِي مِنْ بَعْدِ أَخِي الْحَسَنِ»^۲ [۱۸، ۱، ۱۸۲]. همچنین به والی مدینه فرمودند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَ مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ ... وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمَحْرَمَةِ، مُعَلِّنٌ بِالْفِسْقِ، وَ مِثْلِي لَا يَبَايَعُ لِمِثْلِهِ»^۳ [۱، ۵، ۱۸].

شعار دیگری که درون مایه‌ای با محتوای «امر به معروف و نهی از منکر» دارد، شعار: «الَا تَرَوْنَ أَلَى الْحَقِّ لَا يَعْمَلُ بِهِ، وَ أَلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ، لِيَرَعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا»^۴ [۳۲، ۴، ۳۰۵] است. این شعار را امام حسین(ع) ضمن خطبه‌ای در منزل «ذو حسم» بین لشکریان «حر» ایراد فرمودند.

شعار دیگری که در آن امام حسین(ع) نسبت به «عدالت‌خواهی» تأکید فرمودند، عبارت است از: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَ لَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»^۵ [۳۲، ۴، ۳۰۴]. این شعار، ضمن خطبه‌ای آمده که امام (ع) بعد از مواجهه با سپاهیان حر، در منزلگاه «بیضه» فرمودند.

شعار: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي» نیز دارای ماهیتی سیاسی است که حضرت، آن را ضمن وصیت‌نامه‌ای که خطاب به محمد حنفیه نوشتند، فرموده‌اند و بخشی از آن وصیت‌نامه چنین است: «... أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَاءً، وَ لَا بِطِرًا، وَ لَا مَفْسِدًا، وَ لَا ظَالِمًا، وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)، ...»^۶ [۱، ۵، ۳۳].

۱. هنگامی که امت اسلامی به زمامداری مثل یزید گرفتار آید، باید فاتحه اسلام را خواند! من از جدّم رسول خدا شنیدم که می‌فرمودند: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است!
۲. هیچ‌گاه با یزید بیعت نخواهم کرد؛ چرا که امر خلافت پس از برادرم حسن(ع) تنها شایسته من است.
۳. ما از خاندان نبوت و معدن رسالت و جایگاه رفیع رفت‌وآمد فرشتگانیم ...، در حالی که یزید، مردی است، فاسق، می‌گسار، قاتل بی‌گناهان؛ او کسی است که آشکارا مرتکب فسق و فجور می‌شود؛ بنابراین هرگز شخصی همانند من، با مردی همانند وی بیعت نخواهد کرد.
۴. آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد؟! در چنین شرایطی بر مؤمن لازم است راغب دیدار پروردگارش (شهادت) باشد.
۵. هرکس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده [و] در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت برنخیزد، سزاوار است خداوند، او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد.
۶. من از سر مستی و طغیان و فسادانگیزی و ستمکاری قیام نکردم، تنها برای اصلاح در امت جدم پیا خاستم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی‌طالب(ع) رفتار نمایم.

۴. گونه‌های شعارهای عاشورا

بر پایه دانش‌های حدیثی، شعارهای عاشورایی به چهار دسته تقسیم می‌شود که با آوردن نمونه‌هایی به اثبات این گونه‌ها همت می‌گماریم، شعارهایی که: ۱. انتساب آنها به امام حسین (ع) قطعی است؛ ۲. نقل به معنا شده است و محتوای آن ماهیت روایی دارد؛ ۳. نقل به معنا نشده است، ولی مضمون آن‌ها در روایات صحیح‌الصدور ملاحظه می‌شود؛ ۴. ساختگی است و به واسطه وجود اطلاق، عمومیت و امکان تلقی برخی برداشت‌های غلط از آن‌ها نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه امام (ع) صادر شده باشد. دلیل انقسام این شعارها به اقسام فوق، ارزیابی با معیارهای ثابت‌شده در دانش‌های حدیثی به‌ویژه نقد حدیث و فقه‌الحدیث است.

۴.۱. شعارهای صحیح‌الصدور

پیش از بیان نمونه‌هایی از شعارهای صحیح‌الصدور، یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که «صحت صدور»، به معنای داشتن سندی متصل با روایانی مورد اعتماد (اعم از امامی تعدیل شده یا دارای شهرت در مدح یا غیر امامی توثیق شده) است. لازم به ذکر است که نقد روایات عاشورا، با همان ملاک‌های مرسوم در علوم مرتبط صورت می‌گیرد؛ لذا با نقد درونی (= متنی) و بیرونی (= سندی)، صدور برخی از شعارهای عاشورا از ناحیه امام حسین (ع) اثبات می‌شود؛ شایسته تصریح است که این منابع از اعتبار ویژه از منظر دانش حدیث برخوردارند. نزدیکی زمان تألیف این آثار با زمان عاشورا (نظیر مقتل ابی‌مخنف م. ۱۵۷)، وثاقت روایان (نظیر هشام‌بن‌محمد بن‌السائب کلبی، توثیق شده توسط کسانی همچون، نجاشی^۱، ابن‌داود^۲ و علامه حلی^۳)؛ تطابق با

۱. نجاشی درباره او می‌نویسد: «المشهور بالفضل و العلم و كان یختص بمذهبننا. و له الحدیث المشهور قال: اعتلتت علیه عظیمه نسیت علمی فجلست إلی جعفر بن محمد (ص) فسقانی العلم فی كأس فعد إلی علمی. و كان أبو عبد الله (ع) یقر به و یدنیه و بیسطه» [۴۳۵، ۵۰].

۱۸. ابن‌داود درباره او می‌گوید: «أبو المنذر الناسب الفاضل قال: مرضت فنسیت علمی فجلست إلی جعفر بن محمد فسقانی العلم فی كأس فعد إلی علمی و كان أبو عبد الله (ع) یقر به و یدنیه و بیسطه» [۳۶۹، ۱۶].

۱۹. علامه حلی راجع به او می‌نویسد: «أبو المنذر الناسب المشهور العالم المشهور بالعلم و الفضل العارف بالأیام كان مختصاً بمذهبننا» [۱۷۹، ۱۷].

منابع نقلی (نظیر شعار «الَّا تَرَوْنَ اَلٰی الْحَقِّ لَا یُعْمَلُ بِهٖ...»، مذکور در تاریخ طبری^۱ و نقل آن در تحف العقول [۱۴، ۲۴۵]؛ و تأیید با ادله عقلی (نظیر شعار پیش گفته که به وضوح با حکم مستقل عقل به قبح ظلم قابل تأیید است)، دلیل اعتبار و صحت این منابع و شعارهای مذکور در آن است.^۲

اکنون نمونه‌هایی از شعارهای دارای صفت صحت صدور را که با معیارهای فوق، به ویژه منابع نزدیک به واقعه عاشورا تأیید می‌گردد، متذکر می‌شویم. این شعارها با تعبیر به کار رفته در متون مربوط به مقتل سیدالشهدا شهرت یافته؛ لذا ما براین باوریم که در این‌ها نقلی صورت نپذیرفته است.^۳ یکی از این شعارها، شعار: «وَ عَلٰی الْاِسْلَامِ السَّلَامُ اِذْ قَدْ بَلَّیْتَ الْاُمَّهٔ بِرَاعٍ مِّثْلِ یَزِیدِ» [۱، ۵، ۱۷] است که امام حسین (ع) هنگام بیعت خواستن مروان از ایشان برای یزید در مدینه فرمودند؛ نیز شعار: «وَ اَللّٰهُ لَوْ لَمْ یَکُنْ فِی الدُّنْیَا مَلْجَاً وَ لَا مَأْوٰی لَمَّا بَایَعْتَ وَ اَللّٰهُ یَزِیدُ بَنَ مَعَاوِیَهٗ اَبَدًا» که در فضای صدور حدیث پیشین بیان شده [۱، ۲۱]؛ شعار: «اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْاِصْلَاحِ فِی اُمَّهٖ جَدِّی» [۱، ۲۹-۳۴] که حضرت، در مدینه ذیل وصیت خود به محمد حنفیه فرمودند؛ شعار: «خَطُّ الْمَوْتِ عَلٰی وُلْدِ اَدَمَ مَخْطُ الْقَلَادِهٖ عَلٰی جِیدِ الْفِتَاہِ» [۲۵، ۶۰-۶۱]؛ و شعار: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِیْنَا مُهْجَتُهُ وَ مَوْطِنًا عَلٰی لِقَاءِ اللّٰهِ نَفْسَهُ فَلِیَرْحَلْ مَعَنَا» [همان، ۶۱] که در مکه پیش از خروج به سوی کوفه، در میان جمعی از خانواده و شیعیان فرمودند؛ جزء این دسته هستند و همچنین شعار: «اِنِّی لَا اَرٰی الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً، وَ الْحَیَاةَ مَعَ الظَّالِمِیْنَ اِلَّا بَرَمًا» و «وَ مَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلٰی الْفَتٰی اِذَا مَا نَوٰی حَقًّا وَ جَاهَدَ مُسْلِمًا» [۳۲، ۵، ۴۰۴] نیز از این قسم هستند که امام (ع) در «ذو حسم» هنگام مواجهه با سپاه حربین یزید ریاحی فرمودند. این دو شعار را طبری از قول ابومخنف به نقل از عقبه بن ابی العیزار، در ضمن خبری صحیح

۱. «الَّا تَرَوْنَ اَلٰی الْحَقِّ لَا یُعْمَلُ بِهٖ، وَ اَلٰی الْبَاطِلِ لَا یُتَنَاهٰی عَنْهُ، لِیَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِی لِقَاءِ رَبِّهٖ حَقًّا حَقًّا» [۳۰۵، ۴، ۳۲].

۲. شعارهای مذکور را در میان نقل‌های منابع اصیلی می‌توان یافت که در قرن دوم تا چهارم هجری نگاشته شده‌اند. این نقل‌ها بیشتر عبارت است از آنچه طبری در تاریخ خود از ابومخنف آورده و آنچه که ابن سعد در طبقات، بلاذری در اسباب‌الاشراف، دینوری در اخبار الطوال و ابن‌اعثم در فتوح نقل کرده‌اند. برخی معاصران بر این باورند که آنچه شیخ مفید در ال‌ارشاد و ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین ذکر کرده‌اند، برگرفته از ابومخنف و آنچه خوارزمی در مقتل‌الحسین (ع) آورده، برگرفته از فتوح ابن‌اعثم است [نک: ۱۲، ۱۲].

۳. [نک: ۴۵، ۱۷، ۶۶۸].

آورده است.^۱

یکی دیگر از این شعارها، شعاری است که امام، ذیل خطبه‌ای در روز عاشورا، هنگامی که لشکر عمرابن‌سعد، برای شروع جنگ بر مراکب خود سوار شدند، ایراد فرموده‌اند. در این خطبه، آن حضرت فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ ...»^۲ [۱۸، ۲، ۶-۸]. پس از این خطبه و شروع کارزار، وقتی که تعدادی از یاران امام (ع) به شهادت رسیدند، آن حضرت، خطاب به یاران خود این شعار را فرمودند: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قُنْطَرَةٌ...» [۳۰، ۲۸۹]. در ادامه وقایع روز عاشورا، شعار معروفی که هنگام پیکار امام (ع) با سپاه دشمن به عنوان رجز حماسی بیان شده‌است نیز، جزء شعارهای قطعی‌الصدور محسوب می‌شود: «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ»^۳ [۲۵، ۱۱۸-۱۲۳].

۲.۴. شعارهای نقل به معنا شده

یکی از پدیده‌های رایج در حدیث و نیز مورد قبول همه حدیث‌پژوهان، «نقل به معنا» است [۵۲، ۱، ۱۴] و محدثان بنابر دلایلی آن‌را جایز شمرده^۴ و بیشتر ایشان خبری را که در آن نقل به معنا شده، از حیث حجیت معتبر دانسته‌اند [۱۰، ۲۱۷، ۴۹، ۴۷۹-۴۸۲]. اکثر مواردی که محدثان به نقل به معنا در آن حکم کرده‌اند، در پی مقارنۀ یک متن حدیثی با متن حدیثی دیگر در یک اثر (ولی در دو بخش آن) یا در دو اثر (از یک مؤلف یا دو مؤلف) است. گرچه این امر شامل روایاتی نیز می‌شود که قبل از ثبت در منابع حدیثی، با نقل شفاهی به دست نگارندگان حدیث رسیده است [۳۹، ۳، ۲۵۲]. این موضوع در گزارش‌های عاشورایی که محتوای آن ماهیتی روایی دارد نیز اتفاق افتاده و

۱. قال ابو مخنف: عن عقبه بن ابي العيزار، قام حسين (ع) بنذی حسم، فحمد الله و اثنى عليه ثم قال:

«... فانی لا اری الموت الا شهاده، و لا الحياه مع الظالمين الا برما».

۲. هان که این زنازاده فرزند زنازاده، مرا بر سر دوراهی نگاهداشته است، راهی به سوی مرگ و راهی به سوی ذلت. هرگز مباد که ما ذلت را بر مرگ اختیار کنیم.

۳. مرگ بهتر از ننگ است، و ننگ بهتر از آتش جهنم.

۴. به‌طور نمونه در این باب می‌توان به روایتی اشاره کرد که محمدبن‌مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ «أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَزِيدُ وَ أَنْقُصُ» قَالَ «إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ» [۵۲، ۱، ۵۱]؛ ... محمدبن‌مسلم گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم، سخن شما را می‌شنوم و بر آن می‌افزایم یا از آن می‌کاهم. فرمودند: «اگر نظر به معنای حدیث‌داری، منعی در میان نیست».

به‌همین جهت در بین شعرهای عاشورا مواردی وجود دارد که در آن نقل به معنا شده است. این نگاه به شعرهای عاشورا (یعنی طرح مسئله نقل به معنا در سخنان امام حسین(ع) تا مرحله تبدیل آن به یک شعار با ارائه شاهد)، نگرشی نو است که این مقاله بدان پرداخته است. این قسم از شعارها بیشتر در آثار تاریخ‌نگارانی دیده می‌شود که واقعه عاشورا را به صورتی ترکیبی روایت کرده‌اند؛ مثل ابوالفرج اصفهانی که روایت ابومخنف را از طریق نصرین مزاحم و ابوالحسن مدائنی با روایت عمار دهنی و روایاتی از جابر جعفی با هم ترکیب کرده [نک: ۱۵، ۷۶] و ابن‌اعثم کوفی که روایت‌های عاشورایی را با تغییرات لفظی به صورت نقل به معنا آورده است. مقتل شیخ صدوق نیز از این جهت با فتوح ابن‌اعثم شباهت دارد [۵۵، ۱۱۷].

یکی از شعرهایی که در آن نقل به معنا رخ داده است، شعار: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينَ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ» است که امام حسین(ع) در آخرین لحظات پیش از شهادت آن‌را اظهار کرده‌اند. ابوالفرج، این شعار را نقل به معنا کرده و می‌نویسد: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينَ فَكُونُوا أحراراً فِي الدنْيَا، فرحلی لکم عن ساعه مباح، قال: فاستحيا و رجع»^۱ [۵، ۱۱۸]. با تتبع در آثار تاریخ‌نگاران دیگر مثل طبری، می‌توان دریافت که این عبارت از ناحیه ابوالفرج یا دیگر روات یا تنظیم‌کنندگان مقاتل‌الطالبیین، نقل به معنا شده‌است؛ چه اینکه طبری از قول ابومخنف نقل کرده‌است: «فقال الحسين: و يلکم! ان لم يكن لكم دين، و كنتم لا تخافون يوم المعاد، فكونوا في امر دنياکم أحرارا ذوی احساب، امنعوا رحلی و اهلی من طعامکم و جهالکم...»^۲ [۳۲، ۵، ۴۵۰] و در این نقل، به جای عبارت «فرحلی لکم عن ساعه مباح» که ابوالفرج آورده است، جمله «امنعوا رحلی و اهلی من طعامکم و جهالکم»، نقل شده که کاملاً متفاوت و قابل پذیرش است. نمونه دیگر نقل به معنا را در شعار مشهور «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» می‌توان یافت. با تفحص در منابع، یاری خواستن امام حسین(ع) در فتوح ابن‌اعثم با عبارت «أما من مغيث يغيثنا لوجه الله أما من ذاب يذب عن حرم رسول الله» (ص) [۱، ۵، ۱۰۱] و در لهوف سیدابن طاووس به صورت: «هل من موحد يخاف الله فينا... هل من معين يرجو ما عند

۱. حسین (ع) فریاد کشیدند: اگر دین ندارید، وای بر شما. دست‌کم در دنیا مردمی آزاده باشید! خیمه‌گاه من ساعتی دیگر در اختیار شما است. شمر شرم کرد و از خیام آل‌رسول‌الله عنان بازکشید.
۲. حسین (ع) گفتند: «وای بر شما! اگر دین ندارید و از روز معاد نمی‌ترسید، در کار دنیایان آزادمرد و جوانمرد باشید. بنه و عیال مرا از اوباش و بی‌خردانتان محفوظ دارید».

الله فی اعانتنا...» [۲۵، ۱۱۶] آمده، این شعار را طریحی با عبارت «هل من ناصر ينصر الذرية الأطهار»، در منتخب خود آورده‌است که در آثار دیگری از قرون متأخر با همین ضبط روایت می‌شود [نک: ۴۳، ۳، ۹۱] و با اندکی تفاوت، با عبارات «هل من ناصر ينصر ذرية الطاهرة البتول»، در معالی السبطين [۳۸، ۲، ۲۵] و وسیله الدارین [۴۸، ۲، ۳۲۰] روایت شده است.

با عنایت به آثار نخستین گزارشگران عاشورا، مثل ابی‌مخنف، ابن‌اعثم کوفی و ابوالفرج اصفهانی دانسته می‌شود، این شعار که در صدور صحیح آن از مقام شامخ امام حسین(ع) تردیدی نیست، از ابتدای مقتل‌نگاری دچار نقل به معنا شده و در سده اخیر در آثار مقتل‌نگاران یا تنظیم‌کنندگان آثار آن‌ها، به صورت شعار «هل من ناصر ينصرني» در آثار متأخر، شهرت دوچندانی پیدا کرده است [۷، ۱۳۵؛ ۱۱، ۲۴؛ ۴۵، ۱۷، ۳۷۳]؛ ظاهراً روایت ابن‌اعثم، به صورت نقل به معنا شده کنونی آن برای اهل منبر و مخاطبان آن‌ها تأثیرگذارتر بوده‌است.

۳.۴. شعارهای تأییدشده با روایات صحیح‌الصدور

در نقد شعارهای عاشورایی به مواردی برمی‌خوریم که در آثار گوناگون به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما در منابع حدیثی مستندی ندارند. این قسم از شعارهای عاشورایی، نقل به معنا نشده، ولی مضمون آن‌ها در روایات صحیح‌الصدور دیگر که از آن به شاهد و احیاناً متابع تعبیر می‌شود، ملاحظه می‌گردد.^۱ شعار «کلّ يوم عاشوراء و کلّ أرض كربلاء»، یکی از معروف‌ترین شعارهای عاشور است که در آثار معاصر، مکرر استفاده شده و گاهی نیز روایتی از امام صادق(ع) تلقی گردیده است [نک: ۳۵، ۲۸؛ ۵۴، ۲۱۷؛ ۴۲، ۳۷۱].^۲ براساس بررسی در منابع مختلف، اعم از کتب محوری شیعه و مصادر روایی اهل سنت، این شعار، لفظاً و معنأ در هیچ‌یک از کتب روایی

۱. برخی از محدثان، اشکالی در اطلاق تابع بر شاهد و شاهد بر تابع ندیده‌اند؛ زیرا هر یک از این دو تقویت‌کننده حدیث فرد نسبی (=غریب)‌اند. از خلال اقوال و مثال‌های نگاشته در باب متابع و شاهد به دست می‌آید که شاهد، اعم از متابع است؛ زیرا شاهد، گاه شاهد معناست و گاه شاهد لفظ و معنا هر دو است، در حالی که متابعت به لفظ است و به معنا سرایت نمی‌کند [۲۷، ۲۴۱].

۲. برخی به این شعار، عباراتی چون «کل شهر محرم و کل فصل عزاء» را اضافه نموده‌اند و این موجب شده است که برخی منتقدان در مقام ارزیابی آن، چنین بنویسند: «به این ترتیب و لابد: کل قتل شهاده و کل امام حسین!» [۵۸، ۱۳۷].

مشاهده نمی‌شود؛ اما مضمون آن توسط ادله قطعی تأییدی گردد. مؤید این مدعا، سخن موگهی، نگارنده مقاله «نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی» است که در مراکز مختلف پژوهشی در حوزه حدیث تحقیق نموده، ایشان اظهار می‌دارد که از حدیث شناسانی چون آیت‌الله شبیری زنجانی در مورد این شعار، پرسش نموده و مستندی نیافته است که بتوان به واسطه آن، این جمله را به امام صادق (ع) یا امام دیگری نسبت داد [۶۰، ۲۱]؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این شعار را نمی‌توان روایت دانست. نخستین کسی که تعبیری نزدیک به این شعار را در سروده خود به کار برده، شرف الدین ابوعبدالله محمدبن سعید بوضیری است که به «صنهاجی» و «مغربی» نیز شهرت دارد. او که در شعر و نثر، بسیار ستایش شده، در مورد مصائب اباعبدالله الحسین (ع) شعری دارد که در آن عبارات شعار مذکور با اندکی اختلاف در لفظ و معنا (آن‌سان که از عبارت ظهور می‌یابد)، بیان شده و آن اشعار عبارت است از:

من شهیدین لیس ینسینی // اللف مصائبهما و لا کربلاء
ما رعی فیهما ذمامکم مرؤ // وس و قد خان عهدک الرؤساء
کل یوم و کل ارض لکربی // منهم کربلا و عاشوراء^۱ [۵۳، ۲۶].

با توجه به قدمت این ابیات و جایگاه شاعری چون بوضیری می‌توان از این شعر به عنوان نمونه‌ای از ریشه‌های شعار مذکور یاد کرد. البته اینکه خاستگاه «کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا وَ کُلُّ اَرْضٍ کَرْبَلَا» را این شعر بدانیم، جای تحقیق بیشتری دارد.

در نقد درونی «کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا وَ کُلُّ اَرْضٍ کَرْبَلَا» و درک موافقت آن با معارف دینی، نخست باید دید این شعار تا چه حد با سنت و روایات معصومان (ع) موافقت دارد. عدم تعارض شعار مذکور با روایات صحیح‌الصدور را می‌توان در نگاهی جامع به نهضت حسینی یافت و اگر این شعار را این‌طور تعبیر کنیم که: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا، دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید...» [۶، ۱۰، ۳۱۵]؛ می‌توان این شعار را نمادی از «الگوگیری» از نهضت حسینی (ع) دانست. با این تعبیر، برای این شعار، ریشه‌های زیادی را در روایات، زیارات و فرمایش‌های امام حسین (ع) می‌توان یافت؛ چنان‌که آن حضرت در مسیر کربلا پس از مواجهه با سپاه حر،

۱. از شهیدانی که سرزمین طف و کربلا نمی‌گذارد، مصائبشان را فراموش کنم. در این سرزمین، حرمت شما را هیچ مرئوس رعایت نکرد و رؤسا به عهد شما خیانت کردند. هر روز و هر سرزمین از غصه من به خاطر آن (شهیدان) کربلا و عاشوراست.

در منزلگاه «بیضه»، حرکت خویش را در مبارزه با طاغوت عصر، برای مردم سرمشق می‌داند و می‌فرماید: «فَلَكُمْ فِي اسْوَةٍ»^۱ [۳۲، ۴، ۳۰۴].

نمونه دیگر، شعار «إِن الْحَيَوَةَ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ» است که در آثار مکتوب متأخر، شهرت یافته است. برخی از نویسندگان، این شعار را بدون ذکر سند به امام حسین (ع) نسبت داده‌اند [نک: ۸، ۸۳؛ ۲۴، ۱۱۹ و ...] و عده‌ای دیگر این کلام را از امام نمی‌دانند [نک: ۲۶، ۵۴۶؛ ۴۴، ۱۰۵]. با استناد به بررسی محققان، این شعار، مصراع دوم بیت «قف دون رأیک فی الحیوه مجاهداً // ان الحیوه عقیده و جهاد» است که آنرا احمد شوقی سروده است^۲ [۴۱، ۱، ۵۴]. با تتبع در آیات و روایات به مواردی برمی‌خوریم که محتوای شعار مورد بحث با آن تأیید می‌گردد. به عنوان مثال، شعار: «وَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَيَّ إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَ جَاهِدَ مُسْلِمًا» [۳۲، ۵، ۳۵۴] که امام حسین (ع) در پاسخ به تهدیدهای حر در مسیر کوفه خواندند، مؤید محتوای این شعار است. در بررسی متنی شعار «ان الحیوه عقیده و جهاد»، نتیجه می‌گیریم که اگر منظور از «عقیده»، «عقیده توحیدی» است، این شعار با موازین کلامی اسلام، خصوصاً مبانی نهضت عاشورا موافقت کامل دارد؛ زیرا کربلا مظهر تام و تمام عمل به جهاد است و امام در موقعیت‌های مختلف نهضت، به این امر اشاره نموده‌اند؛ چنان‌که در منزلگاه بیضه، خطاب به سپاه حر، عاقبت ترک جهاد را دوزخ دانسته و فرمودند: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ، وَ لَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» [۱، ۵، ۱۳۸-۱۴۰]. در روایاتی که از معصومان (ع) به دست ما رسیده، از جهاد به عنوان یکی از ستون‌های عقیده یاد شده که حیات ایمانی انسان، وابسته آن است^۳ [۳۷، ۲، ۵۰] و اشاره شده که «عقیده» و «جهاد»، هریک، سهمی از ده

۱. استاد شهید مطهری نیز در بحث تحریف، بیانی دارند که مؤید مفهوم شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» است. ایشان معتقدند تحریف اصلی در نهضت عاشورا که موجب تغییر هویت آن نهضت می‌گردد، تحریف معنوی است، به طوری که بر اساس این تحریف، حرکت امام حسین (ع) یک تکلیف فردی معرفی شده‌است که قابل پیروی نیست [۴۵، ۱۷، ۱۱۰].

۲. احمد الجندی در کتاب ذکری، این شعار را از احمد شوقی می‌داند [۱۳، ۹]. دکتر محمد صبری نیز در کتاب الشوقیات المجهوله که آثار منتشر نشده شوقی را منتشر کرده است، شاعر این شعار را احمد شوقی می‌داند [۲۸، ۲۴۷]. نصح بابیل نیز در کتاب سوره فی القرن العشرین تصریح می‌کند که این شعار،

سروده احمد شوقی است و می‌نویسد: «... گویی زبان من به تکرار این سروده شوقی می‌پردازد [۹، ۲۶].
۳. امام باقر (ع): «سُئِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ؛ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبِقِيْنِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ...».

سهم بنیان اسلام را دارا هستند^۱ [۲۹، ۲، ۴۴۷]. در نتیجه مشخص می‌شود که «ان الحیوه عقیده و جهاد»، اگرچه روایت نیست، لیکن محتوای روایات، آن را تأیید می‌کند.

۴.۴. شعارهای ساختگی

بین گونه‌های مختلف شعارهای عاشورایی، به شعارهایی برمی‌خوریم که در منابع کهن نیامده و از منفردات برخی از مقاتل محسوب می‌شود و نویسندگان این مقاتل، با قرائت جدید، این قسم از شعارها را به مقاتل افزوده‌اند. درباره این گونه شعارها به واسطه اطلاق، عمومیت و قابلیت تلقی برخی از برداشت‌های غلط از آن‌ها، نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه امام(ع) صادر شده باشند. نمونه بارز این دسته، شعار: «إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ // إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيُوفُ خَذِينِي» است که به عنوان یکی از رجزهای امام حسین(ع) در بعضی از منابع آمده است [۲۲، ۳۵، ۲۳، ۱۹۶، ۳۴، ۲۲۴ و...]. هیچ‌یک از آثاری که این شعار را از قول امام(ع) نقل کرده‌اند، مستند محکمی برای این نسبت ذکر نکرده‌اند و در منابع روایی نیز چنین روایتی یافت نشد. این شعار، بیتی از یک شعر حماسی است که توسط محسن بن محمد کربلایی، معروف به ابوالحب سروده شده است که در آن شاعر می‌گوید:

أَعْطَيْتُ رَبِّي مَوْثِقًا لَا يَنْتَهِي // إِلَّا بِقَتْلِي فَاصْعُدِي وَذَرِينِي
إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ // إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيُوفُ خَذِينِي [۵۸، ۱۲۴ به نقل از: ۳۳، ۱۵۵].

نمونه دیگری از شعارهای ساختگی، شعر ذیل است:

أَيَا شِمْرًا خَافَ اللَّهَ وَ أَحْفَظَ قِرَابَتِي // مِنْ الْجَدِّ مَنْسُوبًا إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِي^۲

شعر مذکور را فاضل دربندی به عنوان یکی از رجزهای امام حسین(ع) در روز عاشورا ذکر کرده است [۱۹، ۳، ۶۴-۶۵]. با تتبع در منابع کهن، سندی برای این شعار دیده نمی‌شود و این مورد، تنها در اسرارالشهادة نقل شده است [۵۹، ۱۰۵]. این رجز در قالب هشت بیت ذکر شده که با روح حاکم بر شعارهای عاشورایی مستند، تعارض دارد؛ چه اینکه در ابیات دیگر این رجز آمده است:

أَيَا شِمْرًا رَحِمَ ذَا الْعَلِيلِ وَ بَعْدَهُ // حَرِيمًا بِلَا كِفْلِ يَلِي أَمْرَهُمْ بَعْدِي^۳

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى عَشْرَةِ أَسْهُمٍ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... وَالْجِهَادِ وَ هُوَ الْعَزُّ...».

۲. ای شمر! از خدا بترس و حرمت خویشی مرا از جدم رسول خدا تا مهدی قائم نگهدار.

۳. ای شمر! بر آن بیمار علیل که در خیمه‌هاست و بر خانواده بدون کفیل من که او باید سرپرستی آن‌ها را به دست گیرد، رحم کن و با آن‌ها مهربان باش.

با بررسی اجمالی در سیره معصومان(ع) و مخصوصاً سیدالشهداء(ع) در روایاتی چون: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ...» [۱۸، ۲، ۶-۸] و «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ // وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» [۲۵، ۱۱۸-۱۲۳]، تعارض این اشعار منسوب به امام(ع)، با سیره و سنت ایشان معلوم می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

۱. پیدایش شعارهای عاشورایی، برخاسته از انگیزه‌های معرفتی، اخلاقی و سیاسی است و اعمال دانش‌های حدیثی نشان می‌دهد که نمی‌توان همه آن‌ها را از یک سنخ دانست؛ چه اینکه در این میان، گونه‌های مختلفی قابل‌شناسایی است.
۲. از بین شعارهای عاشورایی، برخی همچون: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي...» که درون‌مایه «باطل‌ستیزی»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «عدالت‌خواهی» و «اصلاح» دارند، با انگیزه سیاسی صادر شده‌اند.
۳. معرفت‌افزایی یکی از انگیزه‌های پیدایش شعارهای عاشوراست و مفاهیمی نظیر: «قیام‌لله»، «فوز»، «بلا و ابتلا»، «تسلیم»، «اخلاص» و «صبر» در شعارهایی همچون: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ...»، با این انگیزه ملاحظه می‌شود.
۴. اخلاق به عنوان ضلع مبنایی اسلام، از انگیزه‌های صدور شعارهای عاشوراست و مفاهیم اخلاقی «جهاد با نفس»، «استقامت»، «شجاعت» و «آزادگی» در امثال شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ...» ملاحظه می‌شود.
۵. شعارهای عاشورایی دارای این‌گونه‌هاست: الف) شعارهای صحیح‌الصدر؛ ب) شعارهای نقل به معنا شده و دارای ماهیت روایی؛ ج) شعارهای غیر نقل به معنا شده، ولی دارای مضمون مشابه در روایات صحیح‌الصدر؛ د) شعارهای ساختگی که به واسطه اطلاق، عمومیت و برخی برداشت‌های غلط از آن‌ها، نمی‌توان پذیرفت که این شعارها از ناحیه امام(ع) صادر شده‌باشد.
۶. صدور مواردی همچون: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»، با بررسی درونی و بیرونی، از ناحیه امام(ع) قابل اثبات است.
۷. نظیر شعار: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» که در منابع مورد اعتماد با الفاظی چون: «أما من مغيث يغيثنا لوجه الله»، «هل من ذاب يذب عن حرم رسول الله» و... آمده‌است، شعارهایی وجود دارد که می‌توان در آن‌ها حکم به نقل به معنا نمود.

۸. در نقد شعارهای عاشورایی به شعارهایی برمی‌خوریم که در آن‌ها نقل به معنا صورت نگرفته، ولی مضمون آن‌ها در روایات صحیح‌الصدور ملاحظه می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان از شعار: «کل یوم عاشوراء و کل أرض كربلاء»، یاد کرد که روایت نیست و مضمون آن با روایت «فَلَكُمْ فِی اسْوَهٍ» تأیید می‌شود.

۹. شعارهایی همچون: «إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ // إِلَّا بِقَتْلِ فِیَا سَيُوفٍ خُدَيْبِي» را نیز نمی‌توان پذیرفت از ناحیه امام (ع) صادر شده باشد؛ زیرا هیچ‌یک از آثاری که این شعار را از قول امام (ع) نقل کرده‌اند، دارای مستند محکمی نیستند و با جستجو در منابع روایی نیز چنین روایتی یافت نمی‌شود.

منابع

- [۱]. ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد (؟). کتاب‌الفتح. تحقیق: علی شیری، جلد ۱، بیروت، دارالأضواء.
- [۲]. ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس‌اللغه. جلد ۳، قم، مکتب‌الإعلام‌الإسلامی، مرکز النشر.
- [۳]. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۳). لسان‌العرب. چاپ: سوم، بیروت، دار احیاء‌التراث‌العربی.
- [۴]. ابومخنف، لوط‌بن‌یحیی (؟). مقتل‌ابی‌مخنف (المشهور). طهران، انتشارات‌اعلمی.
- [۵]. اصفهانی، ابوالفرج‌علی‌بن‌حسین (؟). مقاتل‌الطالبیین. قم، انتشارات شریف‌رضی.
- [۶]. امام خمینی، سیدروح‌الله مصطفوی (۱۳۸۹). صحیفه‌امام. چاپ: پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- [۷]. امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۴). از مباحث تا عاشورا. قم، انتشارات سپهر آذین.
- [۸]. انصاریان، حسین (۱۳۶۸). فروغی از تربیت اسلامی. تهران، انتشارات مفید.
- [۹]. بابیل، نصح (۱۹۸۷). صحافه و سیاست، سوریه فی‌القرن‌العشرین. لندن، ریاض‌الرّیس‌للکتاب و النشر.
- [۱۰]. پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). فقه‌الحدیث: مباحث نقل به معنا. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- [۱۱]. تهرانی، آقامجتبی (۱۳۹۵). تهران، مؤسسه پژوهشی مصابیح‌الهدی.
- [۱۲]. جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تأملی در نهضت عاشورا. چاپ: هشتم، قم، نشر مورخ.
- [۱۳]. جندی، احمد (۱۹۸۱). ذکرری سعد الله جابری، سوریه، طلاس.
- [۱۴]. حرانی، ابن‌شعبه (۱۴۰۴). تحف‌العقول عن آل‌الرسول. قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۱۵]. حسینی، سیدعبدالله (۱۳۸۶). معرفی و نقد منابع عاشورا. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۱۶]. حلّی، ابن‌داود (۱۳۸۳). رجال ابن‌داود. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۷]. حلّی، علامه حلّی (۱۴۱۱). رجال‌العلامه‌الحلّی. قم، دارالذخائر.
- [۱۸]. خوارزمی، موفق‌بن‌احمد (۱۴۲۳). مقتل‌الحسین(ع). چاپ: دوم، قم، انتشارات انوارالهدی.
- [۱۹]. دربندی حائری، فاضل دربندی، ملا آقابن‌عابد (۱۲۸۴). اکسیرالعبادات فی اسرارالشهادات. تحقیق: شیخ محمد جمعه بادی و عباس ملا عطیه‌الجمری، (؟)، کارخانه کربلایی عبدالحسین.
- [۲۰]. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه دهخدا. تهران، سیروس.

- [۲۱]. دینوری، احمدبن داود (۱۳۸۶). الاخبار الطوال. قم، منشورات الرضی.
- [۲۲]. راسم نفیس، احمد (۱۳۸۳). علی خطی‌الحسین (ع). قم، مرکز‌الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- [۲۳]. رضوی اردکانی، ابوفاضل (۱۳۷۸). ماهیت قیام مختاربن‌ابی‌عبید ثقفی. قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۲۴]. سحاب تفرشی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی عبدالله الحسین (ع). تهران، نشر سحاب کتاب.
- [۲۵]. سیدبن طاوس حسینی حلی، سیدعلی (۱۳۴۸). اللهوف علی قتلی‌الطفوف. تهران، انتشارات جهان.
- [۲۶]. شرباصی، ابوحازم احمد (۱۳۷۹). یسألونک فی الدین و الحیاه. ترجمه: کمال روحانی پیرانشهر، تهران، نشر محمدی.
- [۲۷]. صبحی صالح (۱۴۲۸). علوم‌الحديث و مصطلحه: عرض و درسه. قم، انتشارات ذوی‌القربی.
- [۲۸]. صبری، محمد (۱۳۹۹). الشوقیات‌المجهوله: آثار شوقی‌التی لم یسبق کشفها و نشرها. طبعه ثانیه منقحه، بیروت، دار‌المیسیره.
- [۲۹]. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۳۰]. _____ (۱۴۰۳). معانی‌ال‌اخبار. قم، نشر جامعه مدرسین.
- [۳۱]. ضیایی، عبدالحمید (۱۳۸۴). جامعه شناسی تحریفات عاشورا. تهران، انتشارات ققنوس.
- [۳۲]. طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷). تاریخ‌الامم و الملوک. چاپ: دوم، بیروت، نشر دار‌التراث.
- [۳۳]. طعمه، سلمان هادی (۱۳۹۳). تراث کربلاء. تهران، نشر مشعر.
- [۳۴]. عاملی، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). مقدمه‌المجالس‌الفاخره فی مآتم‌العتره‌الطاهره. کربلا، مکتبه‌السید‌الشهدا‌الحسین (ع) العامه.
- [۳۵]. عزیز، عباس (۱۳۷۶). پیام عاشورا. قم، انتشارات نبوغ.
- [۳۶]. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۹). العین. قم، نشر هجرت.
- [۳۷]. کلینی، محمدبن‌احمدبن‌یعقوب (۱۳۶۲). اصول کافی. چاپ: دوم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- [۳۸]. مازندرانی، شیخ محمدمهدی (۱۳۶۳). معالی‌السیطین. قم، منشورات الشریف‌الرضی.
- [۳۹]. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۱). مقباس‌الهدایه فی علم‌الدرایه. تحقیق: محمدرضا مامقانی، لبنان، دار احیاء‌التراث‌العربی.
- [۴۰]. مجلسی، مولی‌محمدباقر (۱۴۰۴). بحار‌الانوار‌الجامعه لدرر اخبار‌الائم‌الاطهار (ع). تهران، انتشارات اسلامیه.
- [۴۱]. مجیدی، عنایت‌الله (۱۳۷۴). پژوهشی درباره یک شعار معروف «ان‌ال‌حیوه عقیده و جهاد». تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ص).
- [۴۲]. محدثی، جواد (۱۳۷۶). فرهنگ عاشورا. قم، نشر معروف.
- [۴۳]. محلاتی، ذبیح‌الله (؟). ریاحین‌الشریعه. تهران، دار‌الکتب‌الاسلامیه.
- [۴۴]. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵). انسان کامل. چاپ: سی‌ام، تهران، انتشارات صدرا.
- [۴۵]. _____ (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. جلد ۱۷، چاپ: هفتم، تهران، انتشارات صدرا.
- [۴۶]. _____ (۱۳۷۳). حماسه حسینی. چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات صدرا.

- [۴۷]. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (؟). الارشاد. قم، نشر مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- [۴۸]. موسوی زنجانی، ابراهیم (۱۳۹۵). وسیله الدارین فی انصار الحسین. بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- [۴۹]. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۷۸). قوانین الاصول. تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- [۵۰]. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال النجاشی. قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۵۱]. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۸). لؤلؤ و مرجان. تهران، نشر آفاق.
- [۵۲]. وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۲۴). مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع. قم، مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی.
- [۵۳]. امین مقدسی، ابوالحسن (۱۳۸۰). «مدح اهل بیت (ع) در دیوان بوصیری». تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و ششم، شماره ۲ و ۳.
- [۵۴]. رحمانی، محمد (۱۳۸۲). «بعد سیاسی و احیای عاشورا از منظر فقه». فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۲۷، سال هشتم، شماره اول.
- [۵۵]. رفعت، محسن (۱۳۹۶). «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد». فصلنامه علمی پژوهشی شیعه پژوهی، سال سوم، شماره دهم.
- [۵۶]. رنجبر، محسن (۱۳۸۶). «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر». فصلنامه علمی تخصصی تاریخ در آینه پژوهش، سال چهارم، شماره دوم.
- [۵۷]. صحتی سردرودی، محمد، (۱۳۹۰). «سهم شیخ عباس قمی در شناسایی تحریفات عاشورا». فصلنامه میثاق امین، سال ششم، شماره ۱۸ و ۱۹.
- [۵۸]. _____ (۱۳۸۱). «بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا». فصلنامه علوم حدیث، قم، شماره ۲۶، سال هفتم، شماره چهارم.
- [۵۹]. محمدی، رمضان (۱۳۹۷). «نقش اسرار الشهادة در تطور رجزهای عاشورا». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره سی و یکم.
- [۶۰]. موگهی، عبدالرحیم (۱۳۸۷). «نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی». فصلنامه پیام، قم، شماره ۹۲، صص ۱۷-۳۲.
- [۶۱]. رفعت، محسن، (۱۳۹۴). «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین (ع) از آغاز تا قرن چهاردهم». رساله دکتری تخصصی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- [۶۲]. ملاکاظمی، علی (۱۳۹۳). «بررسی آسیب‌شناسی اخبار و روایات عاشورا (تا پایان قرن هفتم هجری)». رساله دکتری تخصصی، دانشگاه معارف اسلامی قم.